



قیمت اشتراک سالیانه در ایران
یک تومان
در سایر ممالک
پنج فرانک

کافه

۱۳۲۴

این روزنامه هر دو هفته یکبار
نشر میشود
عنوان مراسلات
Redaktion Kaveh:
Berlin-Charlottenburg,
Leibnizstr. 64

* * * Jahrg. 1 • Nr. 3 • 29. Februar 1916 * * * ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۳۴ هجری = ۲۱ مهر ماه ۱۲۸۵ یزدگردی * * *

گرمانشاه و طهران

مملکت ایران امروز درست یک ستون فلزی خنثی را ماند که بواسطه نزدیک شدن یک جسم الکتریک بیک نوک آن فوراً قوه کهربائی ساکن و مرکب آن ستون تجزیه شده قوای مثبت بیک نوک (قطب) و قوای منفیه بقطب دیگر میگريزند. این خاصیت را در علوم طبیعی قوه «اثر» یا دافعه و جاذبه الکتریکی خوانند. همه بلاد ایران مرکب بود از عناصر صالحه و فاسده که مانند فرشتگان و دیوان با هم در مبارزه دائمی بودند و در نتیجه غیرت و خلوص نیکان با دسایس و پرفتنی بدان تعادل کرده اثری جز عقم و سکون و بلکه دنائت ظاهر نمی شد. همینکه وحشیان روسی پای بایران گذاشتند مانند صرصر خزان بهر شهری که رسیدند گلهای معرفت در آنجا پریشان گردید. در ابتدای ورود آنها که طبیعت وحشیانه شان ب مردم صافدل و بیگناه معلوم نبود در تبریز ورشت اختیار قتل عام شدند. و از آن روز باین طرف هر جا که سموم شقاوت خبر از نزدیکی طوفان ظلم و جور گلهای موثریک و قزاق میداد نونهالان وطن و شکوفهای معرفت و ادب از جلو وحشیان مسکوی فرار میکردند. ورود خونخواران روسی

بازلی وطن پرستان رشت و قزوین را تا طهران میگريزند و نزدیکی امر بین ظلمت دوست بقوچان موجب عقب نشستن فرشتگان ایرانی نژاد از مشهد و خراسان میشد، و بالعکس میدان برای دیو و دد و ناباکان آن خاک پاک خالی مانده و شب پرگان بازیگر میدان میگشتند: صمد خان شجاع الدوله در تبریز، مفاخر الملک در رشت جانشین هنرمندان ایران میگرددند.

از تأثیرات جنگ عالمگیر امروزه یک ماده جدیدی نیز داخل کار شد و آن تقرب لشکر اسلام و عساکر عثمانی بود بیک نقطه ایران که نتیجه بعکس میداد و عناصر فاسده را با شیاطین روسی و انگلیسی محکم: دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند، بآن طرف گریزانده و افراد صالحه را جذب میکرد. از اثر این دو عامل یزدانی و شیطانی امروز مملکت ایران بدو اردوی متمایز تقسیم شده و خبیث از طیب کاملاً تمیز یافته و اینک بهترین نمایندگان ایران و زبده و خلاصه معرفت و حمیت و ایرانیکری در دامنه بیستون در پناه آهورامزدا که از دریچه چشم تاریخ از بالای کتیبه داریوش بر آنها نگران است گرد آمده، و دیوان بدکردار که سنگ این کشور پاک اند در دامنه دماوند در سایه دوده های مظلم ضحاک کی دستگاہ خیانت خود را

«استقلال» دولت و درستی مملکتشان را نه با اسارت سفیر کبیر یک دولت مسلمان در دروازه پایتختشان نه با کشتار هموطنان در رباط کریم، نه با اجبار روس و انگلیس ایشانرا بتشکیل هیئت وزرائی بدخواه آنها و نه با تصرف نصف مملکت از طرف قشون روس خللی نیندند جز مایه فساد در وجود ملتی چیز دیگری نیستند. این وظیفه خواران که یک مشت حشرات میباشند استقلال مملکت و دولت را عبارت از کتابچه مواجب و مستمری «رکاب» و القاب و عنوانات ظاهری و صورت رسمی شهر طهران میدانند و هنوز امیر بخارا را که حق نگاهداری پیشخدمتان و مطربان از او سلب نشده و صدر اعظم او قوشچی بیکی هر روز در حضور مبارک «قبله عالم» کرنش کرده تمام القاب عظمت عالم را بوجود هیونش بار میکند و دعاگوئی سلاطین روی زمین را برای دوام ذات ملکوتی صفاتش ابلاغ می نماید مستقل میدانند، و شاید خدیو غاصب مصر را که لقبش عالی تر شده و از خدیوی تبدیل به «سلطانی» گشته از محمدعلی پاشای بزرگ که اسماً یک والی از طرف سلطان بیشتر نبود معتبرتر می پندارند. در این صورت اگر استقلال دولت و عظمت سلطنت عبارت از عنوانات لفظی باشد چنانکه دول فرنگ هم این کم فہمی رجال شرق را ملتفت شده و تا دم آخر و روز الحاق یک مملکت شرقی بمتصرفاتشان و ختم عمل پادشاه یا امیر آنجا باز از استعمال کلمات اعلی حضرت و کیوان رفعت و مرتب حصول و انجم سپاه و عالم پناه و سکندر جاد مضایقه نمیکند و رسم را کاملاً گرفته اسم را بآن مجسمهای صوری و امیگدارند، پس ملکه ماداگاسکار و پادشاه آنام هم تا روزیکه دولت فرانسه آنها را بحبس نظر در جزایر دیگر فرستاد مستقل بوده اند! و نوآبها و راجهای هند که هنوز هر کدام دو سطر عنوان و لقب دارند و بیست و یک شلیک توپ در موقع حرکتشان انداخته میشود و هر کدام ارواح العالمین فداه میباشند از سلاطین بزرگ دول روی زمین بشمار اند! پس بنا بر منطق عقلای طهران که جراید وجدان فروش آنجا تر جان عقل آنهاست مولای یوسف مراکشی و حسین کامل مصری از اعقل نفوس دنیا بوده و سنوسپهای طرابلس غرب خائن مملکت اند. یا شاه سلطان حسین حجه ملائک سپاه از سنگینی عقل حرکت نکرد و بستارگان آسمان مشورت نمود و ندرقلی بی سر و پا از خفت عقل بمملکت خیانت کرده بدون اجازه پادشاه رسمی بر ضد آفاغه برخاست!! *إِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارَ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ*. هیچ چیز برای این کشور بدبخت و بیکیس سخت تر از این گونه امور نیست حتی از دست دادن استقلال خود، استیلا شدن آن از طرف وحشیان روسی، در هم شکستش در جلو قوت و زور سبئی نیز در عار و ننگ و شناعت بدرجه این جراحت لسان و تجاوز بر ناموس ملتی نمیرسد که یک ورقه فارسی در کنار شهر ری علی رؤس الأَشْهاد جهاد کنندگان ملت و زبده اولاد ایران را که برای یک مقصد مقتس عالی شریف خون خود را میریزند خائن خوانند. روح ایران از این جسارت ناله میکند. لکن اردوی جهاد ملتی را که روح و دل تمام مسلمین حقیقی، ایرانیان حلال زاده، توجه پیغمبر اکرم با آنهاست نباید قوری از این ترهات روی دهد.

پهن کرده اند. اصحاب یمین از اصحاب شمال جدا شده و *يَوْمَ الْفُضْلِ* در رسیده. از کرمانشاه تا کرمان در ایالات و ولایات غربی و مرکزی و جنوبی همه جا عمال فساد انگلیسی و روسی رانده شده و کار بدست ملتیان است. ولایات شمالی در قلمرو نفوذ روس و وزیرای ایرانی سفارشی اوست که قزاقهای او محض دوستی و «قصد قربت» حکومت و نفوذ آنها را اجرا میکنند! نظام السلطنه در کرمانشاه با دشمنان ایران میجنگد، فرمانفرما در طهران شاه را بفرستادن نشان تمثال خود فرمانده قوای دشمن در قزوین بناز شست کشتار اولاد ایران و ادار میکند. کمیته دفاع ملتی در کرمانشاه شب و روز جان بر کف نهاده و از تمام علایق دنیوی چشم پوشیده برای سربلند ساختن و نجات ایران از اسارت میکوشند، کمیته فساد در طهران با دشمنان مملکت مذاکره هممهدی و دوستی میکنند، روزنامه «رستخیز» در کرمانشاه فریاد میزند که:

گر همه دشت و دره ز تیغ پر خون کنی / گر همه روسیه را غارت و وارون کنی /
گر سر شاهان آن ز تاج بیرون کنی / هنوز نستانده کيفر یک از هزار روزنامه «عصر جدید» در طهران مینویسد: «خائنین کار خود را کردند» یعنی جانتاران ایران که با روس دشمن فطری این مملکت میجنگند خائن اند و نشان بخشنندگان بجلادان فرومایه و بیناموس روس در قزوین خادم! خون اولاد ایران در دامنه الوند میریزد و این اوراق پریشان در طهران مذاکرات ذلیلانه دولت ایران را با «تاج سران» روسی و انگلیسی خود در خصوص بعضی گذشتها بایران یا اندکی پول «بزرگترین فتح تاریخی» ایران مینامند. در کرمانشاه برای ورود عساکر عثمانی شهر را آیین می بندند، در بیرون دروازه پایتخت دولت «قوشوکت» ایران سفیر کبیر عثمانی را روسها اسیر میگیرند.

اینست نتیجه بطالت اولیای طهران و گرم شدن ایشان بمذاکرات کودک فریب دل خوش کن با سفرای دشمن و قتیکه قشون روس از خارج طهران را بر تریب محاصره میکرد. در موقعیکه راه مفرّ باز بود فلج همت آنانرا اجازه حرکت نداد و بقول شرف نمایندگان پیشرف خارجه اعتماد کرده و بحالی ماندن طهران از قشون روس قناعت کردند.

لکن از یک جهت همچنانکه گفته شد شاید این تقاعد عناصر فاسده و تن پرور از هجرت از هوای مسموم نفوذ روس و رضای آنها بماندن در زیر آن و سلب آزادی و اختیار خود بیفایده نبود، زیرا که اگر این هیئت مرگب از بیقیدان و خائنان باز با افراد صالحه تا مراکز انقلاب ملتی میرفتند همان معرکه دسایس و اختلاف را گرم کرده کوشش وطن پرستان را عقیم میکردند و برای سرد کردن جوشش ملتیان هر روز بعنوانات مختلفه از دلایلی که علمای اصفهان در استیلائی آفاغه برای عدم حرکت دولت می آوردند اقامه میکردند. زیرا یک مشت مخلوق محروم از عقل و هر نوع ایمان وجدانی که مردن تدریجی ولی حتمی و عاجزانه با مرض سل را بشهادت محتمل در جنگ مقدس ملتی ترجیح دهند در صورتیکه طرف دیگر احتمال نجات است، عاقبت ذلیلانه گرجستان و بخارا و کره و ماداگاسکار و قریم را بر عاقبت ترانسوال و اوراثر و سرپرستان مرجع شمزند،

یداً یا لساناً، فکراً یا خیالاً، رأياً یا اظهاراً، قلماً یا قدماً علی کل الأحوال در سراء و ضراء بکفار حربی خدمت و بمقاصدشان اعانت مینمایند. و در باره کسانی که بذرایع اعمال و اقوال یا بوسایل باره نشریات مجمله و انتشارات مضره بمرام منویات اعدای دین مین و دشمنان اسلام و مسلمین مانند انگلیس و روس و فرانس و ایٹالی و هر یک از کفار حربی که باسلام و مسلمین طرف مخاصمه و محاربه واقع اند و امروز در مقابل مسلمانان بعداوت مشهور و بچگ و خونریزی مشغولند آنان را ترویج میکنند و بدول کافره محاربه ظاهراً و باطناً مساعدت مینمایند. چه حکم دارند و تکلیف مسلمانان با اینگونه اشخاص چیست؟ مستدعی است بجهت تعیین تکلیف مسلمین نسبت باین نوع مردمان حکم الله را در صدر و حواشی و صفحه مقابل مرقوم و بامهار و خواتیم شریف مهور و مختم فرمائید که عند الحاجة حجت باشد. ان الله لا یضیع اجر من احسن عملاً.

فتوی

جواب حضرت آیه الله الکاشانی

بسم الله الرحمن الرحیم. چنین کسی که بیکی از طرق مرقومه بکفار حربی مثل روس و انگلیس و ایطالی و فرانسه اعانت نماید از جمله محاربین با خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله محسوب و ساعی در محو دین خدا و خاموش کردن نور حق خواهد بود و گناه بسیار بزرگی است. قال الله تعالی إِنَّ الدِّينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أَوْلَئِكَ فِي الْأَذْلَانِ. بلکه دور نیست تقویت و مساعدت دول کافره محاربه بقلم و زبان اشد باشد از اعانت آنان بسیف و سنان. و واجب است بر هر مسلمانی که اینطور اشخاص را از این اعمال شنیعه ردع و منع نمایند و اگر مرتدع نشود واجب است از ایشان تنفر و تبری کنند هر چند پدر یا پسر یا برادر یا خویشاوندان او باشند. چنانکه خداوند حمید در قرآن مجید مفرماید لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ. اعاذنا الله وجميع المسلمين من امثال هؤلاء الفجرة المفسدين. الجانی السید مصطفی النجفی الکاشانی عفا الله عنه

فتوی حضرت حجة الاسلام القمشی

بسم الله الرحمن الرحیم. شبهه در حرمت اعانت کفار که محارب با مسلمین هستند نیست بلکه از اعظم کبائر است. بر علماء اعلام و ارباب منابر و سایر متدینین لازم است موعظه اینگونه اشخاص و ردع آنها. و اگر العیاذ بالله مرتدع نشدند آنوقت آنچه تکلیف احقر است در باره آنها بیان میشود.

حرره الاقل محمد حسین القمشی

(صدای اسلام)

اوراق سیاه و پریشان در یوزگیان طهرانی نیست که محائف تاریخ را تشکیل خواهد داد. خراب کننده مجسمه دیان و ملوث کننده چاه زمزم اسمشان جز ضرب المثل خیانت نیست. اقبالتوس یونانی که راه ترمویل را بایر آنها نشان داد، صمد خان شجاع الدوله مراغه و میر فتح تبریزی جز لمن ابدی از دوست و دشمن بهره نمی برند. لکن نام بلند لئونیداس یونانی، شیخ شامل داغستانی، امیر عبد القادر جزائری، زرنال دی ویت بوئر، هاینال قرطاجی تا دنیا هست در تاریخ بشر درخشان است.

تمام وطن پرستان حقیقی، جان نثاران ملت، نصف بیشتر وکلای ملت ایران با پیشروان آنها، علمای بزرگ و مجتهدین شیعه، تنها قوه نظامی ایران یعنی قراسوران جدید که از برگزیدگان جوانان پرشور و پاک نهاد ایران مرگب است، تمام قوای جنگی و سلحشور ایران در نقاط آزاد، بهمراهی عساکر اسلامی عثمانی در کرمانشاه و نهاوند و کنگاور تکیه بمدد اولیای دین که ارواح شریفه ایشان در عقب آنها در مشاهد مشرفه نجف و کربلا و کاظمین و سامرا بدعای نصرت آنان مشغول اند با دشمن دین و وطن و شرف و نژاد و زندگی خود میجنگند. و در آن طرف چند نفر تن پرور نیم فوج سرباز مازندران اطراف خود جمع کرده مشغول اجرای فرمایشات سفیر روس و انگلیس اند و هر چند روزی هم که روسها تجاوز بسیار بزرگی بر استقلال و حق سلطنت ایران میکنند مثلاً سفیر کبیر عثمانی را در خارج دروازه میگیرند، رئیس زاندارم را در قزوین توقیف میکنند آنوقت «باکمال احترام خاطر مودت مظاهر دوستان استظهاری خودشانرا بمخالفت آن حرکت با معاهدات و اصول مقرر» جلب کرده. «مساعدت دوستانه آنجناب جلالتمآب عالی را بجلب توجه دولت متبوعه ایشان بآن فقره بمقتضای مراتب یکجہتی و وداد که خوشبختانه من القدیم بین الدولین برقرار است» مسئلت میکنند. بالأخره پس از هزار التماس بعد از یکماه جواب میگیرند که بر حسب حکم والا حضرت نائب السلطنه قفقاز یا هند قشون امپراطوری را امر شده که از ینگگی امام دویت ذرع عقب نشینند یا سفیر محبوس را از روسیه رها کنند که بمملکت خود مراجعت کند، یا بوشهر را بشرط تحویل حکومت فارس بیک دست نشانده انگلیسی تخلیه کنند بشرط آنکه دولت ایران نیز فلان و فلان مطالب را که هر یک تجاوز تازه است بایران انجام دهد و یا غیاب آنکه بهوای نظامی دولت بهیبه کج نگاه کرده اند تنیه و وطن پرستانرا تبعید کند

حکمرانی اگر اینست که طهران دارد

وای اگر از بی امروز بود فردائی.

استفتاء

حضور شریف حضرات علمای اعلام حجج اسلام آیات الله فی الانام ادام الله برکات وجودهم العالی محترماً عرض میشود چه میفرمائید در باره اشخاصی که با دعوی مسلمانی در این ایام تقابل کفر و اسلام در مقام معاونت دول کافره محاربه برآمده. سرآ یا علناً، مالاً یا حیاً و جاناً (۱)،

(۱) کذا!

ورود کمیته دفاع ملی بکرمانشاه

هیئت از وطن پرستان حقیقی و کارآگاهان سیاست که پس از حمله روسها بطرف طهران و تسلیم دولت ایران به تهدیدات روس و انگلیس از طهران هجرت اختیار نموده و در شهر قم اجتماع کردند در آنجا یک کمیته بنام دفاع ملی تشکیل دادند که شامل بهترین نمایندگان ایران و سی و چهار نفر از وکلای مجلس شوری بود. همه ولایات آزاد ایران که در زیر فشار قشون روس و انگلیس نبودند دعوت این هیئت مرکزی را بجهاد ملی و برداشتن سلاح بر ضد دشمنان ایران اجابت نموده و اظهار اتحاد و اطاعت کردند و از قم مشغول اداره امور دفاع ملی در همه ایران بودند. تا آنکه روسها بهم حمله آوردند و پس از جنگ سختی در قرب ساوه ملیون صلاح را در تحلیه قم دیده و بجانب عراق عقب نشستند. اینک بموجب اخبار اخیر بحمد الله هیئت محترم مزبور سالمآ بصحنه و کرمانشاه مرکز غربی ملتیان ایران رسیده و بدوستان خود و جان نثاران وطن و آقای نظام السلطنه پیوستند. اسامی بعضی از افراد کمیته دفاع ملی که بسلامت وارد اردو شده اند از این قرار است:

نواب والا شاهزاده سلیمان میرزا وکیل اصفهان در مجلس شورای ملی. آقا سید محمد رضای شیرازی معروف بمساوات وکیل طهران، آقای وحید الملک وکیل طهران. آقا سید عبد الرحیم خلخالی از پیشروان فرقه دموکرات. آقای میرزا سلیمان خان معاون وزارت داخله، آقا میرزا محمد علیخان کلوب وکیل همدان. آقا سید جلیل اردبیلی از پیشروان دموکرات، آقا میرزا شمس الدین خان فطن الملک، آقای حاجی سید ابو الحسن علوی، آقای آقا شیخ رضای دهخوارقانی وکیل طهران، آقای آقا سید حسین کرازی وکیل بکرمانشاه، آقای حاجی محمد تقی شاهرودی از تجار درجه اول طهران، آقای حاجی محمد باقر کاشی از تجار طهران، آقای نظام السلطان وکیل مازندران، آقا شیخ محمد حسین استرابادی از وکلا، آقای ناصر الاسلام گیلانی وکیل گیلان، آقای میرزا محمد صادق طباطبائی وکیل طهران، آقا سید حسن مدرّس وکیل طهران، آقای حاجی میرزا علی محمد از علمای طهران، آقا سید فاضل شاهرودی وکیل شاهرود، آقای ادیب السلطنه وکیل رشت، آقای حاجی عزّ الممالک وکیل کردستان، آقا میرزا اورنگ خان یزدی، آقای مشار الدوله و شیراز، آقای ضیاء السلطان، آقای خان بابا خان.

غنائم آلمان

بمقتضای یک احصائیه جدیدی که اخیراً در آلمان نشر شده است غنائم آلمان در ظرف ۱۸ ماه جنگ از قرار ذیل است:
یک ملیون و ۴۲۱۰۹۷۱ اسیر که فعلاً در داخل مملکت آلمان محبوس اند. عدّه عظیمی از اسرا که در میدان شرقی بدست افتاده ولی بواسطه

بعد مسافت و صعوبت نقل و تحویل باتریش واگذار شده اند در این رقم مندرج نیست.

نه هزار و ششصد توپ، ۷۰۷۰۰ عرابه مهمات و ذخیره و غیره. یک ملیون و ۳۰۰۰۰۰۰ تفنگ. ۳۰۰۰۰۰۰ مینرایتوز.

این ارقام فقط غنائمی را حاکی است که در داخل مملکت آلمان بنقد موجود است و الا عدّه مجموع توپها و تفنگها و مخصوصاً مینرایتوزها که بچنگ لشکر آلمان افتاده خیلی بیش از ارقام مذکور است چه اغلب اوقات قشون آلمان بعد از غنیمت گرفتن اسلحه فوراً خود آنها را در مقابل دشمن بکار انداخته اند بدون آنکه آنها را بداخلی آلمان بفرستند.

جنگ بحری

در ۸ فوریه یک کشتی جنگی فرانسه موسوم به «آمیرال شارنه» (Amiral-Charner) بظرفیت ۴۰۶۸۰ تون (تقریباً ۱۰۴۰۰ خروار) در سواحل بیروت بتوسط یک کشتی تحت البحری آلمان در عرض دو دقیقه غرق شد و اغلب یا بلکه جمیع اجزاء آن که قریب ۴۰۰ نفر بودند نیز غرق شدند. در شب ۱۱ فوریه یک کشتی جنگی انگلیسی موسوم به «آرابیس» (Arabis) در دریای شمال نزدیک سواحل شرقی انگلیس بتوسط یک کشتی مخرب آلمان با اغلب عملجات آن غرق گردید.

بعلاوه «آرابیس» در همان چند روزه دو کشتی جنگی دیگر انگلیسی یکی موسوم به «کارولین» (Caroline) و دیگری موسوم به «آرتوزا» (Aretflusa) و دو کشتی تجارتی انگلیسی یکی «آنگولا» (Angola) بظرفیت ۴۰۹۶۲ تون یا قریب ۱۰۵۰۰ خروار و دیگری «سپرینگول» (Springwell) همه غرق شده اند.

«خیانت» عربها

تایمس در تحت عنوان فوق خبر رسمی ذیل را نشر میدهد:
یک دسته از قشون کشافه انگلیس از نصیریّه (واقع بر ساحل فرات) بطرف شطّ الحیّ (نهری است واقع بین نصیریّه و کوت العماره و در دجله میریزد) برای کسب اطلاع از وجود قشون عثمانی در جنوب کوت العماره حرکت نمود. در مراجعت جمعی کثیر از عربها بر قشون مزبور حمله نمودند. تلفات ما (انگلیسان) ۳۷۳ نفر و تلفات عربها بیش از ۳۰۰ نفر بود.

تصحیح

در شماره اول صفحه ۶ ستون اول سطر ۶ باخر مانده در تاریخ جنگ فریم بجای ۱۸۵۴ سهواً ۱۸۵۸ طبع شده و صحیح اولی است. — در شماره دوم صفحه ۵ ستون ۱ سطر ۱۰ درازو (دراج) سهواً جزو بلاد مفتوحه نوشته شده و در حقیقت اگرچه قشون اطریش بنزدیکی آن شهر رسیده و محتمل است عنقریب آنرا فتح کنند ولی هنوز فتح نشده است.

اعتذار

بواسطه عللی که خارج از اختیار ما بود این شماره هم یک هفته تاخیر افتاد و هم در ۴ صفحه بجای ۸ صفحه منتشر شد. خوانندگان محترم خود ملتفت خواهند شد.